جنگ نرم و رسالتِ اجتماعی انسان در عالم دینی

در گفتگویی تلویزیونی (برنامه راز) به تاریخ ۹۳/۴/۲۳ حاج حسین یکتا، مسئول قرارگاه فرهنگی خاتم‌الاوصیاء از بایستگیهای جهاد و جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی سخن گفت که ضرورت آن حداقل برای اهالی فرهنگ باید از آن شب واجبتر فهم شود. بعضی از سخنان ایشان در این گفتگو دربارهٔ باور کردن جنگ نرم، جنگ نفر به نفر، و اضطرار تشکیل ستادهای مردمی پشتیبانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی بود.

حال اگر اندکی بر این سه نکته تأمل کنیم باید از خویش به بپرسیم مگر چگونه بر ما گذشته است و یا چگونه حیات داریم که تقابل ارزش‌ها، اعتقادات و در یک کلام، جنگ هویت‌ها را درک نمی‌کنیم؟ و یا اذعان به بودن جنگ می‌کنیم اما این اذعان به تقابل علیه باطل در عمل کشیده نمی‌شود! که از چه میزان به بُعد اجتماعی و تاریخی انسان غفلت کرده‌ایم؟ و به راستی چگونه است که در متون دینی ما بر مسئولیت و رسالت اجتماعی و تاریخی انسان تأکید فراوانی شده است اما از آن غافلیم؟ آیا فهم جنگ نفر به نفر در ساحت تقابل ارزشها، ربط مستقیمی با مسئولیت اجتماعی و تاریخی انسان ندارد؟ و همچنین تشکیل ستادهای مردمی پشتیبانی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی با چگونه درکی از تکلیف، مسئولیت و فرهنگ پدید خواهد آمد؟

جنگ نرم و مسخ هویت

بی‌شک اگر از افراد زیادی سؤال کنیم که آیا در حال حاضر ایران در جنگ است یا خیر؟ پاسخ خواهند داد خیر و یا نهایتاً خواهند پرسید کدام جنگ؟! اینجا هیچ تجاوز نظامی را بر کشور احساس نمی‌کنند. از این جهت می‌توان نتیجه گرفت که در ارتکاز ذهنی مردم جنگ همیشه سخت و نظامی بوده است. اما این سخن بدین معنی نیست که در طول تاریخ تقابل ارزش‌ها و اعتقادات با به شیوه نرم نداشته‌ایم، چنانکه قرآن در شیوه تفرعن فرعون‌ها می‌گوید: «فاستخف قومه فاطاعوه» . یعنی سبک مغز کردن قوم و تهی کردن مردم از هویت اصیل، زمینه اطاعت آنها را از فرعون فراهم می‌کند و این اتفاقی است که به صورت مدوّن و آکادمیک در عصر جدید تئوریزه و عملیاتی می‌شود.

اگر نسبت به جنگ نرم ناآگاهیم به دلیل ماهیت این جنگ است که بر بستر ناآگاهی فهم شکل می‌گیرد، یعنی اگر باطل در لباس تزئین، حق جلوه کرد و آگاهی به این تزئین نداشته باشیم در دام باطل افتاده ایم. اینکه بدانیم مواجهه با باطل نشانه ایم و قبول باطل کرده‌ایم. برای مثال جبهه باطل در جزء گرایش‌های انسان تمامأ به دنبال تغییر حس زیبایی‌شناسی جبهه حق است. امروز زیبایی نه بر میزان حق بلکه بر میزان (من) شناخته و اثبات می‌شود. در حال حاضر آنچه اگر از منگری به بام بدحجابی در بدنه مردم کمرنگ شده است، اما جز این است که زیبایی‌شناسی ما تغییر کرده و این منکر در حال تبدیل شدن به یک امر مباح یا معروف است؟! پس زمانی باور خواهیم کرد که جنگ است که بدانیم این جنگ چیست؟ پس زمانی صرف آگاهی به ناهنجاری‌های فرهنگی و عدم فهم نسبت آنها با حق و باطل، بسیاری را در حل این ناهنجاری‌ها در خور سردرگم می‌کند و هیچوقت به علت و چشمه ناهنجاری‌ها نخواهند رسید.

حتی جزئی علم به اینکه در جنگ نرم هستیم ما را به ساحت عمل و مبارزه نمی‌کشاند، زیرا در جنگ نرم اگر دیر متوجه هجوم بشویم، شاخص‌های هویتی ما معیوب می‌شوند و اگر اینگونه باشد، هویت بیمار چندان تصمیم‌هایی درست و بر میزان حق نمی‌تواند بگیرد. اینجا فرقی است هستند کسی که در جنگ نرم مسلوب هستیم و قدرت درگیری با جبهه باطل را ندارند و وقتی با آنها صحبت از مبارزه می‌کنی از اقناث حق جبهه باطل می‌گویند. مدتی قبل به تماشای برنامه‌ای از سیمای جمهوری اسلامیه بودم، این برنامه گفتگوی فدرایه تقلب بود که آیا درست است یا خیر؟ و دارای دو مجری جوان و جهاد مخاطب نوجوان و جوان بود . از میان جهاد میهمان یکی از بهترین شعرای فدرایه بود. مجری مقوله را در دیگر، آن را یک امر شخصی و بر میزان (من)، نسبی می‌دانستند! اگر به فردی که اخلاق را امری نسبی می‌داند و میزان را (من) قرار داده است، بگویی تقلب نکن! به شما خواهد گفت در عین اینکه می‌دانم تقلب درست نیست اما اگر نفع شخصی من افتضاء تقلب بکند آن را انجام خواهم داد، زیرا در انصرف فرهنگی که این فرد زیست کرده است میزان سنجش (من) است و نه (حق) و اینگونه حق را در انجام تقلب برای نیل به هدف خویش معنا می‌کند. چنین فردی با علم به تهاجم فرهنگی خواهد پرسید چرا من باید مجاهد فرهنگی باشم؟و چرا دیگری نباشد؟ و آیا برای من نفعی دارد؟!. . .

اما اگر هویت فکری‌فرهنگی ما منطبق بر حق و دین بود باز فرار از علم به جنگ نرم، باید باور و ایمان به تهاجم فرهنگی و نبعات آن داشته باشیم. زیرا ایمان است که اضطرار و انقطاع از غیر حق را می‌آورد. آیا بسیاری از افرادی که سیگار می‌کشند از تبعات سوء آن آگاه نیستند؟ و به آنها علم ندارند؟! اگر علم دارند پس چرا سیگار را ترک نمی‌کنند؟! چون اضطرار را درک نکرده‌اند. چگونه است که اگر یکبار دست ما سوزندگی آتش را درک کرد، فهرد ارادهای بر دست زدن به آتش نداریم؟! چنین اضطراری را در جنگ نرم باید درک کرد تا تمام بستر ناآگاهی و غفلتی که این جنگ بر آن استوار است فرو باشد. این اضطرار است که انقطاع می‌آورد و آنگاه در سنگسواری فرهنگی تکیه مطلق به وعده‌ها و اولوار اگرهای فرهنگی نمی‌کنیم، زیرا سوختن جان و نه جسم را در خویش و قوم درک کرده‌ایم و از آتش جاستوز گریزان هستیم. اما اگر پرسیده شود این درک و اضطرار آیا با آموزش و هیچوقت به جنگ و چشمه ناهنجاری‌ها نخواهند رسید.

انسان و مقام رسالت

به راستی چگونه درکی باید از خویش، هویتو و طبیعت داشته باشیم تا بتوانیم از مسئولیت و رسالت اجتماعی و تاریخی انسان سخن بگوییم؟ و قبل از آن باید پرسید چگونه درکی از (من)، طبیعت و هویتو وجود دارد که در آن از رسالت اجتماعی و تاریخی انسان نمی توان سخن گفت؟

اهم به معروف و نهی از منکر غایاً در نسبت با هویتو و اجتماع شکل می‌گیرد و ناظر بر تکالیف انسان در جمع و اجتماع است، اما عموم مردم جامعه چه مقدار بر این تکالیف پایبند هستند؟ ناگزیر جواب خوشایندی در انتظار نسبت و زمین ماندن امر به معروف و نهی از منکر، خود شاهدی بزرگ بر نقص شهود ما از (من) حقیقی خویش یادداشت حضرت تلاش دارد موضوع تلاش برای پرورهٔ غربی جدساری و «در حال تغییر بودن» تفکر مورد ارزش نسبت به انقلاب اسلامی را مورد ارزیابی قرار دهد و موضوع ذائقه ایرانی را در چارچوب جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار دهد.

لزوم «عمومی‌سازی» موضوع «جامعه در حال تغییر»

یکی از تلاش‌هایی که رسانه‌های غربی به‌کرات انجام داده‌اند موضوع فضاسازی عمومی و فراهم کردن زمینه‌هایی است تا با استفاده از آن نشان‌دهنده که تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران در حال وقوع است چه چیزی برای ۱۰ تا ۱۵ سال پیش شروع شده است، کوکم در حال رخ بستن از جامعه و فرهنگ اجتماعی است. این موضوع فکری روندی بدیه‌ا می‌کند که این فضاسازی عمومی همراه با پروژه هوشمند مبارزه‌ی از دیپلماسی عمومی به‌عنوان پشتوانه آن باشد به عبارتی فضای رسانه‌ای این گزاره را عمومی می‌کند که «جامعه در حال تغییر است»، سپس در مرحله بعدی با تکمیل‌کننده، نخبگان سیاسی کشورهای غربی با استفاده از قدرت رسانه‌های خویش «کارت دعوت تغییر فرهنگی - اجتماعی» را به کشور مقصد فرستاده و منبع محکم خود را بر تلوت پویش تلقینی می‌کوبند.

از زمان روی کار آمدن اوباما برخلاف سلف جمهوری خواهش، وی اعلام زیادی به دیپلماسی عمومی از خود نشان داد. هم ازاین‌رو بود که در مورد ایران هر سال به مناسبت عید نوروز پیام نوروزی «خطاب به مردم ایران» می‌فرستاد، تا بدین نحو حکومت را از مردم جدا کرده و خود و کشور متوغش را در پیوندی نزدیک با مردم ایران، منجی عالم نشان دهد.

«اتمام اعلامیه» با گسل‌هایی که در همبستگی اجتماعی به وجود می‌آید

آن رو که همبستگی اجتماعی تأثیر مستقیم بر قدرت یک کشور گسترده و همه‌جانبه نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران، هویتو و طبیعت دارد، از این حیث بر روی آن برنامه‌ریزی شده است. مشهور است که دولت‌های یکدست از لحاظ فرهنگی و اجتماعی معمولاً بازیگران مؤثری در نظام بین‌الملل هستند، که اینرو نیز از این قاعده مستثنا نیست. در مقابل آمریکا برای از بین بردن این انسجام تلاش می‌کند تا ایران را متهم به رفتار ایدئولوژیک مذهبی، قوم- نژادی، زبانی و ... کند، و در مرحله بعد مردم را از اجتماعی کند. وجه دیگر توانایی فرهنگی که در جنگ نرم مسلوب هستیم گسترش نفوذ کشوری است که قادر است نفوذش را بر سایر کشورها از طریق زبان، مذهب، یا ترکیب آن با نسبت حقوقی و سیاسی مشترک حفظ کند و افزایش دهد، به این بعد دوم «عمق استراتژیک» گسوها گفته می‌شود. برای مثال فرانسه و انگلستان روابط نزدیکی با نخبگان بیشتر مستعمرات سابقشان دارند. طبیعی است که جمهوری اسلامی نیز به دنبال این هویتو باشد، یکی از مهم‌ترین راه‌ها به لحاظ تئوری تلویزیون و هم بر اساس اقتضائات امنیتی خویش یکی جوی قدرت و عزت در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای است. اما دشمنان، همین مقوله را در همگ بیشترین حضاث خویش قرار دادهاند. از یک طرف ایران را به ایدئولوژیک بودن و از طرف دیگر به مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر متهم می‌کنند.

در بعد فرهنگی همچنین جنگ نرم به دیپلماسی عمومی نیز منتهی می‌شود. دیپلماسی عمومی شعار و تبلیغات و نیز به معنای دیپلماسی حکومت نیست. برخلاف تصور مانوئل کاستلز که دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عموم است که عبارت است از بروافکنی ارزش‌ها و ایده‌های عموم در عرصه بین‌الملل و این جمله که «عموم، حکومت نیست چراکه در نهادهای حکومتی رسمی نشده است»، نادرست است چراکه ارتقاء برنامه ضمنی و تلویحی نقش در بیشت ایده دیپلماسی عمومی، تأکید بر قدرت دولت یا قدرت یک کنشگر اجتماعی در شکل «قدرت نرم»، هرچند کلستلز خود می‌بدید که کنترل و یا مهار دیالوگ بین مجموعه‌های اجتماعی مختلف و فرهنگ‌هایشان به امید دستیابی به معنا و فهم مشترک است نیز هدف این نوع دیپلماسی است. اما این فرایند با استفاده از یک موضوع مکمل پی گیری می‌شود و آن شرمنده سازی ایران نزد مردم است.

دوگانه «شرمنده سازی» و «جداسازی»

غربی‌ها، آمریکایی‌ها و به‌خصوص دولت باراک اوباما در تلاش بوده‌اند مسئله‌ی حقوق بشر و حمایت ایران از نیروهای مقاومت و فلسطین را وارد فاز متفاوتی از جمهوری خواهان کنند. آن‌ها برآن‌اند تا با به‌عنوان پناهگاه حمایت از گروه‌های تروریستی قلمداد کنند. در این خصوص منتهم کردن ایران به حمایت از جریانات تروریستی، حماس، انصارالله، مردم بحرین و عراق مواردی است که ایران به حمایت از تروریسم متهم شده است. اگر این موضوع به فرایند شرمنده کردن حکومت آن در خصوص حقوق بشر اضافه شود، فرایند جداسازی مردم از حکومت از نظر غرب ممکن‌تر خواهد بود. حمایت ایران از جریانات لبنان نیز در ذیل همین اتهامات قرار می‌گیرد که ایران را در زمره‌ی کشورهای حامی تروریسم بین‌الملل معرفی داده است. در همین زمینه اتهام به ایران مبنی بر اینکه «جنبی از مشکل در منطقه خاورمیانه است» و نه راه‌حل مشکل؟ نیز تفسیر بردار است.

این همان چیزی است که از آن تحت عنوان به انزوا بردن یک دولت در چارچوب راهبرد نئوشرت «شرمنده سازی» در دستور کار قرار گرفته. در این پروژه، ایران کشوری است که منتهم اعمال تروریستی است و مهم‌تر اینکه بایستی در عرصه بین‌الملل به کشوری شرمسار تبدیل شود. بهترین شگرد استفاده از ابزار مدرن (رسانه) برای متهم کردن ایران است. گرچی سبک قرارباید می‌گوید: اتهم ممکن است این همان چیزی است که از آن تحت عنوان به انزوا بردن یک دولت در چارچوب راهبرد نئوشرت «شرمنده سازی» در دستور کار قرار گرفته. در این پروژه، ایران کشوری است که منتهم اعمال تروریستی است و مهم‌تر اینکه بایستی در عرصه بین‌الملل به کشوری شرمسار تبدیل شود. بهترین شگرد استفاده از ابزار مدرن (رسانه) برای متهم کردن ایران است. گرچی سبک قرارباید می‌گوید: اتهم ممکن است ایران را به عنوان کشوری مورد اتهام قرار بگیرد، مسئولیت بسیاری از این وقایع هرگز مشخص نشده است و میزان مسئولیت رسمی ایران ممکن است بصورت افراط‌آمیزی بیان شود[۲].

آیا تئوری «انقلاب در حال تغییر» قویاست؟

مروری بر اظهارات مقامات غربی و بخصوص آمریکایی مؤید این است که مباحثی که گفته شد، قویاً و ناشی از پارانویایی (توهم) در خصوص آمریکا نیست. در اینجا عمداً از ترکیب «همبستگی ملی» بحث به میان آمد، چراکه هدف از پروژه جداسازی، واژه «همبستگی ملی» (یعنی بقیه ایران) به‌عنوان بعدی بین مردم و نخبگان سیاسی و حکومت) است. یکی دیگر از ابعاد قدرت نرم، بعد سیاسی و ناشی بر تاریخ ارزش‌های سیاسی جامعه هدف است. غرب و بخصوص آمریکایی‌ها بشدت در بدنهٔ عملیاتی کردن تئوری تاکارآمدی جمهوری اسلامی در طراحی یک مدل سیاسی «باز و دموکراتیک» هستند. این موضوع از اتهامات «حقوق بشری» که به ایران وارد می‌شود، تفاوت قابل تشخیص است. سوای از این آمریکایی‌ها و بالأخص دولت اوباما بر روی این نرم توانه عملیاتی شدن این ادعا، «حداشته» چون حمایت وی و دولت همچنین از حوادث منتهی به فتنه ۱۳۸۸ که با حمایت صریح وی از جنبش سبز مواجه شد مؤید این موضوع است. «دارد» چون بعدازآن نیز با هیچ تلاشی (چه نظری و چه عملی) برای حمایت از گروه تجدیدنظرطلب در جمهوری اسلامی دریغ نکرده است.

«إنَّكُم مَسئُولُونَ حَتّی عَنِ البُقاعِ و النَّهایَه» . این کلام معصوم (علیه السلام) است که ما را حتی نسبت به زمین و چهارپایان مسئول می‌داند. می‌گویند روزی مردی عبر با شتری چموش نزد حضرت آمد و پس از عرض سلام، هنگامی که خواست از حضرت سؤال کند، شتر فرار می‌کند و منجر به دوری وی از حضرت می‌شود و این اتفاق سبب همت حضرت پیامبر می‌گردد. این اتفاق سه بار تکرار می‌شود تا اینکه مرد عرب شتر خود را به ضربتی هلاک می‌کند. احساب پیامبر خطاب به وی گفتند که این مرد عرب شتر خویش را به قتل رسانید و پیامبر فرمود: «اری و دهای‌های شما مملو از خون آن شتر است» .

در این کلام به خوبی می‌توان از تاثیر افعال انسان در سعادت تکوین عالم سخن گفت.چنانکه خدمدهای تمدید آمد. یکی از نقاط اوج این (علیه السلام) به دلیل آنکه سبب عصبانیت بیشتر مرد عرب شده بود و این عصبانیت منجر به قتل شتر شد، حضرت آنها را مذمت می‌کند. در حدیثی دیگر امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «العامل بالظّلم و المُعین لَهُ و الرّاضی به شُرکاءُ ثلاثتهُم» . یعنی شخصی که ظلم می‌کند، شخصی که کمک به ظلم می‌کند و حتی شخصی که کمک به ظلم نمی‌کند اما راضی به آن ظلم است و تبری از این ظلم را ندارد، هر سه در ظلم و موضوع آن شریک هستند. و این سخن عمیق اشاره به امتداد تاثیر افعال انسان در ساحت اجتماع و تاریخ دارد.

همچنین از این حدیث و دیگر متون دینی می‌توان استنباط نمود که در اسلام دایره تولّی و تبرّی نسبت به حق و باطل از نیت تا عمل است و انسان حتی اگر توان مقابله عملی با باطل را نداشته باشد، باید شعاع وجودی خویش را از نیت و قلب از صف باطل جدا کند و تبری دروغی از باطل داشته باشد. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم» یعنی اگر شخصی به عملی از گروهی و قومی رضایت داشته باشد، داخل در آن گروه و قوم است و در تاثیر معودی یا تاوّلی آن عمل در سرنوشت آن فرد، اجتماع و تاریخ به سمت کمال خویش که همان کمال عبودیت است شریک است. در قرآن بیان می‌شود که انسان علاوه بر نامه عمل فردی، دارای نامه عمل جمعی نیز می باشد و این خود بزرگترین شاهد بر امتداد تاثیر وجودی افعال انسان در اجتماع، تاریخ و در یک کلام، هستی است.

همه این اقوال دینی نفی (من) منتشر و موجود در جامعه را می‌کند که مومن به بعضی از دین است و لَبُّ جنگ نرم را که امر به معروف و نهی از منکر است، انجام نمی‌دهد. پس فهم و عمل به جنگ نرم به نفر در ساحت فرهنگ و در تقابل ارزش‌ها و اعتقادات، ریشه در فهم بُعد اجتماعی و انسان دارد و پشتیبانی مردم از ارزش‌ها، اعتقادات، هویتهان، و طبیعت در مقام رسالت شکل می‌گیرد و این مقام رسالت است که در جنگ نرم با تعریف و تحلیل سلوک در عبودیت انجام می‌گیرد و از طریق سلوک در عبودیت فعلیت می‌یابد و با دستور محقق نمی‌شود.

مصطفی سخنگو

منابع:

۱-سوره الزخرف (آیه ۵۴)

۲-این جمله خلاصه ای از بروز و ظهور احوالات مَن و شخصیت منتشر در جامعه است که تفصیل آن فرصتی دیگر را می‌طلبد.

۳-علی مصالی حائری، حرکت، قبه لبلد القدر، ص ۱۷۶- ۱۸۰.

۴-مصباح‌الشریعه، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق، صفحه ۱۳.

۵-رسول به معنای عام آن منظور است.

۶-ایت‌الله جوادی آملی، مفاتیح‌الحیاة، قم، اسراء، چاپ هشتاد و چهارم، ۱۳۹۱، ص ۵۰۴.

۷-مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه‍ ق، چاپ دوم، جلد ۲۳، صفحه ۹.

۸-ملا محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، جلد ۵، ص ۲۳۳.

۹-وسائل الشیعة، جلد ۵ صفحه ۱۵۶.

۱۰-نهج‌البلاغه، خرجه محمد دشتی، قم، لوح علم، ۱۳۸۶، ص ۴۷۲، حکمت ۱۵۲.

۱۱-ایت‌الله سید محمد باقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ص۱۷۸-۱۸۳.

نمایشگاه مطبوعاتی بدون حضور منتقدان!

بیست و یکمین نمایشگاه مطبوعات با شعار «نقد منصفانه؛ پاسخ مسئولانه» امروز در حالی افتتاح شد که بخش عمده‌ای از مهم‌ترین و معتبرترین رسانه‌های کشور آنسال در اعتراض به عملکرد دولت یازدهم و فشار بی‌سابقه به رسانه‌ها به نمایشگاه مطبوعات نمی‌رفتند.

امروز و در حاشیه این نمایشگاه؛ (خبرگزاری دانشجو) یکی از خبرگزاری های مطرح کشور در اقدامی نمادین غوغه خود را خالی نگه داشت و با نصب تابلویی به انتشار اسامی رسانه های معترض پرداخت .

اقدام اعتراضی غرفه خبرگزاری دانشجو در نمایشگاه مطبوعات

در کنار همین نشریات، خبرگزاری‌های فارس، تسنیم و نسیم (فارس به‌عنوان پرسابقه‌ترین خبرگزاری ایران، تسنیم به‌عنوان یک خبرگزاری متعدد محور و حرفه‌ای و نسیم به‌عنوان یکی از بهترین خبرگزاری‌های کشور در حوزه دامنه پوشش و سرعت انتشار اخبار) نیز ترجیح دادند در نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری‌ها شرکت نکنند. این خبرگزاری‌ها نیز تقریباً منبع عمده اخبار هستند که در اعتراض به عملکرد دولت در این نمایشگاه حضور نیافتند.

پایگاه‌های خبری معتبر و سرشناسی نیز ترجیح دادند امسال در نمایشگاه مطبوعات حضور نداشته باشند. سایت‌های خبری جهان‌نیوز، راجئیوز، راه دانا، صدر و ۵۹۸ که در واقع جزو معروفترین، قدیمی‌ترین و پربازدیدترین پایگاه‌های خبری کشور هستند نیز هرکدام رسما اعلام کردند در نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری غرفه نخواهند داشت! البته روزنامه‌ها و همچنین سایت‌های خبری دیگری نیز امسال در نمایشگاه مطبوعات شرکت نمی‌کنند که برخی از این رسانه‌ها ترجیح دادند عدم شرکت خود را اعلام نکنند.

نامه اعتراضی خبرگزاری دانشجو به روحانی

بر همین اساس خبرگزاری دانشجو با ارسال نامه‌ای صریح به رئیس دولت یازدهم دلایل این اقدام خود را شرح داده است.

متن نامه خبرگزاری دانشجو به رئیس جمهور به شرح ذیل است:

جناب آقای دکتر روحانی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام

مدت دو سال است که منتظرند شما از رسانه‌ها گرفته تا کارشناسان و اتحادیه‌های بزرگ دانشجویی، زنر شدیدترین فشارها در جهاتی از رسانه‌ها تنها یخش کوچکی از برخوردهای نامهربانانه دولت در این مدت بوده است.

برخوردهای نه‌چندان بی‌طرفانه‌ای که صرفاً به جرم بیان مطالبات و مشکلات ملت بوده و اینها همه گذشته متوجه اتحادیه‌های بزرگ دانشجویی شده است.

رشه‌یابی برخوردهای سلبی با منتقدان، جست‌وجوگران را به ترویج گفتمان غیرمدیرانه‌ای «بی‌شناسنامه‌ها»، «عصرحجری‌ها»، «عقب‌مانده‌ها»، «کانسکارال»، «نرولان» و «ترسوها» «چهنمی‌ها»، «کان‌دارها»، «تازه به دوران رسیده‌ها»، «تخریب‌گران و «چوب‌ها»، «بی‌سواد‌ها»، «ترسوها و اواراطیون» و «کیران و متوهمان و دین‌نشناسان»، «اوستاندارگرها» و موارد مشابه دیگر می‌رساند.

اینکه برخی از اظهارات مقامات و اندیشکده‌های آمریکایی در سال ۲۰۱۵ که دال بر این موضوع است، برای بررسی این موضوع و اینکه مبحث جنگ‌سازی، موضوعی توهم آلود نیست، اشاره می‌شود.

اندیشکده «مرکز امنیت آمریکایی جدید» در ۱۰ آگوست ۲۰۱۵ در مطلبی تحت عنوان «چگونه می‌توانیم حمایت ایران از تروریسم را مهار کنیم» به سه روش نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک اشاره می‌کند. «بیتر هارل» عضو ارشد این اندیشکده و نویسنده این یادداشت اظهار داشت «آمریکا نیاز به تعقیب یک استراتژی اجتماعات سیاسی و اجتماعی در ایران دارد. آمریکا در این موضوع که قبل از انعقادی توافق هسته‌ای، شاهد اصلاحات سیاسی در ایران باشد، یک منفعت و علاقه زیادی دارد. آمریکا باید با سرمایه‌گذاری کردن روی توافق هسته‌ای به تروج اصلاحات در ایران کمک کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی و نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود و نیز (واشنگتن) به نظر ماندن در ایران و حتی تروی این از ظلم نداره، هر سه در ظلم و موضوع آن شریک هستند و این سخن عمیق اشاره به امتداد تاثیر افعال انسان در ساحت اجتماع و تاریخ دارد.

همچنین از این حدیث و دیگر متون دینی می‌توان استنباط نمود که در اسلام دایره تولّی و تبرّی نسبت به حق و باطل از نیت تا عمل است و انسان حتی اگر توان مقابله عملی با باطل را نداشته باشد، باید شعاع وجودی خویش را از نیت و قلب از صف باطل جدا کند و تبری دروغی از باطل داشته باشد. امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم» یعنی اگر شخصی به عملی از گروهی و قومی رضایت داشته باشد، داخل در آن گروه و قوم است و در تاثیر معودی یا تاوّلی آن عمل در سرنوشت آن فرد، اجتماع و تاریخ به سمت کمال خویش که همان کمال عبودیت است شریک است. در قرآن بیان می‌شود که انسان علاوه بر نامه عمل فردی، دارای نامه عمل جمعی نیز می باشد و این خود بزرگترین شاهد بر امتداد تاثیر وجودی افعال انسان در اجتماع، تاریخ و در یک کلام، هستی است.

همه این اقوال دینی نفی (من) منتشر و موجود در جامعه را می‌کند که مومن به بعضی از دین است و لَبُّ جنگ نرم را که امر به معروف و نهی از منکر است، انجام نمی‌دهد. پس فهم و عمل به جنگ نرم به نفر در ساحت فرهنگ و در تقابل ارزش‌ها و اعتقادات، ریشه در فهم بُعد اجتماعی و انسان دارد و پشتیبانی مردم از ارزش‌ها، اعتقادات، هویتهان، و طبیعت در مقام رسالت شکل می‌گیرد و این مقام رسالت است که در جنگ نرم با تعریف و تحلیل سلوک در عبودیت انجام می‌گیرد و از طریق سلوک در عبودیت فعلیت می‌یابد و با دستور محقق نمی‌شود.

مصطفی سخنگو

منابع:

۱-سوره الزخرف (آیه ۵۴)

۲-این جمله خلاصه ای از بروز و ظهور احوالات مَن و شخصیت منتشر در جامعه است که تفصیل آن فرصتی دیگر را می‌طلبد.

۳-علی مصالی حائری، حرکت، قبه لبلد القدر، ص ۱۷۶- ۱۸۰.

۴-مصباح‌الشریعه، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق، صفحه ۱۳.

۵-رسول به معنای عام آن منظور است.

۶-ایت‌الله جوادی آملی، مفاتیح‌الحیاة، قم، اسراء، چاپ هشتاد و چهارم، ۱۳۹۱، ص ۵۰۴.

۷-مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحارالأنوار، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه‍ ق، چاپ دوم، جلد ۲۳، صفحه ۹.

۸-ملا محسن فیض کاشانی، محجة البیضاء، جلد ۵، ص ۲۳۳.

۹-وسائل الشیعة، جلد ۵ صفحه ۱۵۶.

۱۰-نهج‌البلاغه، خرجه محمد دشتی، قم، لوح علم، ۱۳۸۶، ص ۴۷۲، حکمت ۱۵۲.

۱۱-ایت‌الله سید محمد باقر صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸، ص۱۷۸-۱۸۳.

با تأکید بر پرونده‌ی نشریه‌ی «تایم»

چرا غرب اصرار دارد انقلاب ایران را «در حال تغییر» بنامد؟

نشریه تایم در شماره ۱۶ نوامبر ۲۰۱۵ خود پرونده‌ای در خصوص فضای سیاست ورزی، اجتماعی و فرهنگی ایران منتشر کرده است. این پرونده که در زمانی سیاست‌های رسانه‌ای غرب در خصوص ایران است، اصرار دارد این گزاره را درونی کند «انقلاب ایران در حال رسیدن به خط پایانی خود است» و «ایران از فضای انقلابی دور شده و جامعه‌ای لیبرال» انتظاری است که بایستی در خصوص ایران سال‌های آینده داشت. برای مثال در جمله پایانی این پرونده نویسنده با استناد از مصاحباتی یاد می‌کند که در آن از چهار ایرانی» پرسیده که ایرانیان چه چیزی برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده دوست دارند، به نقل از این سایت می‌دارد که «آن‌ها دوست دارند که ایده‌ئولوژیک نباشند». که روندی که توسط جامعه تایم اتخاذ شده رویکرد دوست دیدن، برای مثال نشریه آتوموبیست نیز چندی پیش با پرونده‌ای مشابه تحت عنوان «ایران ایران تمام شده». مطالبی مشابه در خصوص تغییر فضای اجتماعی ایران منتشر کرده بود و استدلال کرد که جامعه ایران در حال دوری گزیدن از فضای انقلابی است.

نشریه تایم و پیروی از سیاست متداول رسانه‌های غربی

پرونده تایم در خصوص «ایران ۲۰۲۵. چگونه دهه آینده تغییر را ایجاد خواهد کرد»[۱]. تلاش دارد تا همان مضمونی که توسط اکونومیست پی گیری می‌شد را جستجوی کند آنچه در این یادداشت در تلاش هستیم به آن پاسخ دهیم این است که چرا هر از چند گاهی تیتر جلد و نمای نخست نشریاتِ مطرح غربی به «موضوع «تغییر اجتناب‌ناپذیر در ایران» اختصاص می‌یابد. لذا اینجا سخنان مقرونی از دیدار مسئولان و مدیران رسانه‌ای ملی در ۲۰ مهر را در حضور جنگ رسانه‌ای غرب علیه ایران بازبرایی کرده و سپس به دیدگاه تایم نیز به سایال خواهیم رفت.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیدار اساسی صبح روز دوشنبه ۲۰ مهرماه در دیدار مسئولان و مدیران رسانه‌ی ملی و اعضای شورای نظارت بر صداوسیما با تبیین اهداف «جنگ نرم نرم‌افزاری»شده، گسترده و همه‌جانبه نظام سلطه با جمهوری اسلامی»، تغییر باورهای مردم را مهمترین هدف این جنگ پیچیده خواندند. رهبر انقلاب ایران با متهم به رفتار ایدئولوژیک مذهبی، قوم- نژادی، زبانی و ... کند، و در مرحله بعد مردم را از اجتماعی کند. وجه دیگر توانایی فرهنگی که در جنگ نرم مسلوب هستیم گسترش نفوذ کشوری است که قادر است نفوذش را بر سایر کشورها از طریق زبان، مذهب، یا ترکیب آن با نسبت حقوقی و سیاسی مشترک حفظ کند و افزایش دهد، به این بعد دوم «عمق استراتژیک» گسوها گفته می‌شود. برای مثال فرانسه و انگلستان روابط نزدیکی با نخبگان بیشتر مستعمرات سابقشان دارند. طبیعی است که جمهوری اسلامی نیز به دنبال این هویتو باشد، یکی از مهم‌ترین راه‌ها به لحاظ تئوری تلویزیون و هم بر اساس اقتضائات امنیتی خویش یکی جوی قدرت و عزت در سطح بین‌الملل و منطقه‌ای است. اما دشمنان، همین مقوله را در همگ بیشترین حضاث خویش قرار دادهاند. از یک طرف ایران را به ایدئولوژیک بودن و از طرف دیگر به مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر متهم می‌کنند.

در بعد فرهنگی همچنین جنگ نرم به دیپلماسی عمومی نیز منتهی می‌شود. دیپلماسی عمومی شعار و تبلیغات و نیز به معنای دیپلماسی حکومت نیست. برخلاف تصور مانوئل کاستلز که دیپلماسی عمومی، دیپلماسی عموم است که عبارت است از بروافکنی ارزش‌ها و ایده‌های عموم در عرصه بین‌الملل و این جمله که «عموم، حکومت نیست چراکه در نهادهای حکومتی رسمی نشده است»، نادرست است چراکه ارتقاء برنامه ضمنی و تلویحی نقش در پشت ایده دیپلماسی عمومی، تأکید بر قدرت دولت یا قدرت یک کنشگر اجتماعی در شکل «قدرت نرم»، هرچند کلستلز خود می‌بدید که کنترل و یا مهار دیالوگ بین مجموعه‌های اجتماعی مختلف و فرهنگ‌هایشان به امید دستیابی به معنا و فهم مشترک است نیز هدف این نوع دیپلماسی است. اما این فرایند با استفاده از یک موضوع مکمل پی گیری می‌شود و آن شرمنده سازی ایران نزد مردم است.

دوگانه «شرمنده سازی» و «جداسازی»

غربی‌ها، آمریکایی‌ها و به‌خصوص دولت باراک اوباما در تلاش بوده‌اند مسئله‌ی حقوق بشر و حمایت ایران از نیروهای مقاومت و فلسطین را وارد فاز متفاوتی از جمهوری خواهان کنند. آن‌ها برآن‌اند تا با به‌عنوان پناهگاه حمایت از گروه‌های تروریستی قلمداد کنند. در این خصوص منتهم کردن ایران به حمایت از جریانات لبنان، حماس، انصارالله